

# واکاوی جایگاه و نقش استراتژیک سوریه در مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی

(بانیم‌نگاهی به تحولات اخیر در سوریه)

سهیل رجبی<sup>۱</sup>

## چکیده

اگرچه سوریه از مشکلات عدیده زیرساختی و جدی در حوزه‌های سیاسی-اجتماعی و اقتصادی رنج می‌برد، اما ناآرامی این کشور قبل از امتداد در خیزش‌های مردمی و اسلامی، معلول معادلات و مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی است که این کشور را به اردوگاه تازه‌ای برای رقابت‌های استراتژیک تبدیل نموده است. سوریه به عنوان مرکز ارتباطات سه قاره آسیا، آفریقا و اروپا شناخته می‌شود و یک بازیگر ژئوپلتیک محور است که سه عامل واقع شدن در منطقه استراتژیک خاورمیانه، قرار گرفتن بر کناره شرقی دریای مهم مدیترانه و برخورداری از ۱۸۶ کیلومتر ساحل و همسایگی با فلسطین اشغالی، لبنان، ترکیه و عراق به وضوح اهمیت ژئوپلتیک و نقش راهبردی این کشور را در مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی نمایان می‌سازد. اهمیت و نقش استراتژیک سوریه در

۱. کارشناس ارشد روابط بین‌الملل و عضو باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی



مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی و همچنین رقابت‌های ژئوپلیتیک و معادلات راهبردی، بیشترین سهم را در ایجاد ناآرامی‌های سوریه دارد.

بر این اساس تمرکز بر روی سوریه و بی‌ثبات‌سازی آن به عنوان کلیدی‌ترین حلقه محور مقاومت اسلامی و عمق استراتژیک و یکی از مهم‌ترین بخش‌های راهبردی مهار جمهوری اسلامی ایران، در واقع هدفی جز برقراری توازن بین محورها و تضعیف نقش و جایگاه ایران را دنبال نمی‌کند. این مقاله به واکاوی جایگاه و نقش استراتژیک و سناریوی بی‌ثبات‌سازی سوریه پرداخته و همچنین به این پرسش که کشورهایی همچون امریکا، عربستان و ترکیه در این زمینه از چه نقش‌هایی برخوردارند، پاسخ می‌دهد.

**کلیدواژه‌ها:** سوریه، خاورمیانه، امریکا، عربستان، استراتژیک، اتحادیه عرب، ترکیه، عراق.

### مقدمه

طی یک سال اخیر، تحولات گسترده‌ای کشورهای آفریقا و خاورمیانه عربی را فرا گرفته که تاکنون منجر به سرنگونی حکام تونس، مصر، یمن و لیبی شده است. علاوه بر کشورهای گفته‌شده، موج ناآرامی‌ها تعداد دیگری از کشورهای عربی از جمله بحرین را نیز فرا گرفته است. در همین حال طی چند ماه اخیر در سوریه نیز اتفاق‌های بسیاری رخ داده است. بلوا و آشوب در سوریه علاوه بر پیامدهای داخلی، تأثیر گسترده‌ای بر تحولات منطقه‌ای چون ثبات یا عدم ثبات لبنان و اردن و حتی دیگر کشورهای عربی خاورمیانه، درگیری اعراب اسرائیل، نفوذ ایران و سازمان‌هایی چون حماس و حزب‌الله خواهد داشت. از این رو تحلیل درست و نزدیک به واقعیت برای درک شرایط ممکن و محتمل وقوع در آینده، هم برای پژوهشگران تحولات خاورمیانه و هم برای دستگاه‌های تصمیم‌گیری سیاست خارجی کشورهای تأثیرگذار و تأثیرپذیر تحولات خاورمیانه ضروری است. بررسی تحولات جاری در سوریه در مقایسه با دیگر کشورهای عربی از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ زیرا اگرچه بخشی از گسترش موج بیداری در کشورهای منطقه، متأثر از جمهوری اسلامی ایران است و برای ایران اسلامی مهم است اما وضعیت سوریه به گونه دیگری است و اهمیت آن به مراتب بیشتر است. سوریه متحد راهبردی جمهوری اسلامی ایران و حلقه اساسی مقاومت اسلامی در منطقه است. این کشور تنها عمق راهبردی جمهوری اسلامی ایران محسوب نمی‌شود، بلکه نوع حکومت در دمشق، در معادلات آینده منطقه خاورمیانه و منافع ملی جمهوری اسلامی نیز نقش

تعیین کننده‌ای دارد.

## صحنه سیاسی و امنیتی خاورمیانه

خاورمیانه که در گذشته و حال، محور اساسی تعامل و تقابل میان نیروهای اصلی و فرعی سازنده نظام جهانی می‌باشد، همواره از تناقضات سیاسی، اقتصادی و نظامی دو قطب جهانی متأثر بوده که از زمان جنگ جهانی دوم آغاز و تا سقوط شوروی ادامه داشت؛ این منطقه هم‌اینک در شرایط فقدان موقعیت ویژه شوروی و تک‌روی امریکا برای هدایت و رهبری جهان و تلاش برای تحمیل سلطه سیاسی و نظامی آن در سطح منطقه و جهان با حضور رو به رشد چین و روسیه رو به روست که می‌خواهد خلأ ناشی از سقوط و فروپاشی شوروی را پر کند. لذا این امر بیانگر آن است که خاورمیانه در گذشته و حال، صحنه دایمی یک مبارزه است که متأخرترین تحولات مهم آن عبارت است از:

۱. گرایش آشکار امریکا برای سیطره کامل و ایجاد سلطه خود بر خاورمیانه؛

۲. به بن‌بست رسیدن روند صلح به ویژه پس از روی کار آمدن دولت‌های تندرو در اسرائیل؛

۳. اشغال عراق و افغانستان؛

۴. رسیدن موضوع هسته‌ای ایران به مرحله‌ای جهت ایجاد تناقض و برخورد میان سیاست‌های نیروهای منطقه‌ای و بین‌المللی؛

۵. صدور قطعنامه ۱۵۵۹ جهت خروج نیروهای سوریه از لبنان و خلع سلاح مقاومت و نیروهای فلسطینی؛

۶. تشکیل کمیته حقیقت‌یاب به موجب قطعنامه ۱۵۹۵ پس از ترور حریری و متهم کردن سوریه و استفاده از آن به عنوان اهرم فشار علیه این کشور که نشانه‌های آن در گزارشات میلس (نماینده ویژه سازمان متحد) و قطعنامه‌های ۱۶۴۲ و ۱۶۳۶ شورای امنیت به خوبی دیده می‌شود؛

۷. فشار شدید امریکا و غرب بر سوریه و حرکت به سوی منزوی کردن آن.<sup>۱</sup>

## اهمیت ژئوپلیتیک سوریه در منطقه

جمهوری عربی سوریه با جمعیتی بالغ بر ۱۹ میلیون نفر و مساحتی حدود ۱۸۵۱۸۰

۱. حسن غفاری فر، «سلسله صلح‌های تحمیلی برای حذف تدریجی هویت فلسطین ۲۰۰۷-۱۹۷۸»، علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم (ع)، س ۱۱، ش ۴۴، ۱۳۸۷، ص ۲۴۱.



درگیری رژیم صهیونیستی با سوریه، محور اصلی اهمیت نظامی و استراتژیک این کشور در منطقه می‌باشد. در حال حاضر نیروهای مسلح سوریه، تنها ارتش کلاسیک عربی است که می‌تواند امنیت رژیم صهیونیستی را در معرض خطر قرار دهد

کیلومتر مربع، هشتاد و هفتمین کشور جهان از نظر وسعت محسوب می‌شود. سوریه در منطقه آسیای غربی واقع شده و به عنوان مرکز ارتباطات سه قاره آسیا، آفریقا و اروپا شناخته می‌شود. این کشور از دیرباز، مرکز بازرگانی میان شرق و غرب بوده است. موقعیت ژئوپلتیک سوریه، این کشور را در نقطه اتصال خاورمیانه نفت خیز با اروپای صنعتی قرار داده است.<sup>۱</sup> سوریه یک بازیگر ژئوپلتیک محور است که با سه عامل واقع شدن در منطقه استراتژیک خاورمیانه،

قرار گرفتن بر کناره شرقی دریای مهم مدیترانه و برخورداری از ۱۸۶ کیلومتر ساحل با کشورهای حاشیه این منطقه ارتباط دارد. به خصوص سوریه از طریق خط لوله نفت در بندر بانباس، بخشی از نیازهای نفتی کشورهای حاشیه را تأمین می‌کند و از این راه در معادلات منطقه نقش دارد.<sup>۲</sup> همسایگی با فلسطین اشغالی، لبنان، ترکیه و عراق نیز به وضوح اهمیت ژئوپلتیک و نقش راهبردی این کشور را در مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی نمایان می‌سازد. به دلیل همین اهمیت و نقش استراتژیک، بسیاری از کارشناسان روابط بین‌الملل، «سوریه را بزرگ‌ترین کشور کوچک جهان» می‌نامند.

سوریه تنها بازیگر عربی است که در مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی میان کشورهای خاورمیانه و آفریقای عربی، نقش مستقلی را ایفا می‌نماید و در عین حال صاحب دیدگاه خود است. درگیری رژیم صهیونیستی با سوریه، محور اصلی اهمیت نظامی و استراتژیک این کشور در منطقه می‌باشد. در حال حاضر نیروهای مسلح سوریه، تنها ارتش کلاسیک عربی است که می‌تواند امنیت رژیم صهیونیستی را در معرض خطر قرار دهد. از این رو مقامات رژیم اسرائیل، سوریه را به عنوان تهدید استراتژیک به حساب می‌آورند.

همچنین نقش آفرینی سوریه در معادلات سیاسی لبنان و قرار گرفتن دمشق به عنوان دولت حامی مقاومت اسلامی، بر اهمیت استراتژیک سوریه افزوده است.<sup>۳</sup> به همین دلیل است که محققان روابط بین‌الملل تلاش می‌کنند تا راه‌هایی برای جلب نظر دیدگاه رهبری سوریه در هماهنگی با غرب و به ویژه امضای توافق نامه صلح با رژیم اشغالگر قدس پیدا کنند. تمام تحلیل‌های مقامات رژیم صهیونیستی بر این موضوع اتفاق نظر

۱. رضا سراج، «نگاهی به تحولات سوریه»، تهران، پایگاه تحلیلی و تبیینی برهان، ۱۳۹۰، ص ۵.  
 ۲. احمد خالدی، رابطه سوریه و ایران، تهران، مؤسسه مطالعاتی اندیشه‌سازان نور، ۱۳۸۹، ص ۷۹.  
 ۳. رضا سراج، همان، ص ۶.



دارند که سوریه به عنوان خطر استراتژیک بر ضد رژیم صهیونیستی در منطقه است. علاوه بر ریشه‌های سیاسی و ایدئولوژیک موضوع سوریه در منازعه عربی-اسرائیلی این کشور از جنبه حیاتی و توازن استراتژیک نیز به صورت طبیعی با اسرائیل در منازعه می‌باشد؛ زیرا نزاع و رقابت این دو کشور بر سر قدرت و میزان نفوذ منطقه‌ای بین دولت‌های قوی همسایه در منطقه می‌باشد و حضور اسرائیل موجب فشار دینامیکی شدید، قوی و مستقیم اسرائیل برای امنیت سوریه و امنیت اعراب شده است که از شکست اعراب در سال ۱۹۴۸ به صورت بالفعل رو به تزاید گذاشته است و دستیابی به سلاح هسته‌ای این نگرانی را افزایش داده است.<sup>۱</sup>

بحران‌های منطقه و خاورمیانه در حالی سپری می‌گردد که تحلیل‌ها، نشست‌ها و جلسات منطقه‌ای و بین‌المللی در قبال بحران سوریه که شرایط دشوار و تحولات خطرناکی را پشت سر می‌گذارد، فرضیات بی‌شماری را در مقابل تحلیلگران سیاسی قرار داده است و ضرورت رایزنی و همکاری در باره کیفیت کمک به سیاستمداران سوری به منظور برون‌رفت از این بحران بر مبنای اصل تفاهم را آشکار می‌سازد. در این میان دو رویکرد در پیش روی سوریه قرار دارد:

۱. برکناری حکومت بشاراسد از قدرت طبق خواسته غرب و متحدین آنها در منطقه؛
۲. حفظ قدرت داخلی با ائتلاف و انجام اصلاحات سیاسی بر اساس نظر حکومت فعلی سوریه.

برای پیش‌بینی آینده بحران سوریه، شناخت کلی از موقعیت ژئوپلتیک این کشور ضروری به نظر می‌رسد. سوریه کشوری با مختصات ویژه است. از منظری دیگر این کشور در شرایط نامطلوبی به لحاظ ژئوپلتیک و توازن قوا قرار دارد و از طرفی جمعیت و مساحت نسبتاً کم سوریه موجب تشکیل نیروی انسانی محدود و بازدارندگی اندک در مقابل تهاجمات شده است. از نظر جغرافیایی، سوریه کشوری عرب با دو همسایه غیر عرب (اسرائیل و ترکیه) است. ترکیه همسایه‌ای قدرتمندتر از سوریه است که در دهه ۵۰ تهدید کرده بود علیه افراطی‌گری سوریه در این کشور مداخله خواهد کرد و در سال ۱۹۹۰ نیز در ائتلافی با اسرائیل، سوریه را مورد محاصره قرار داد.

مهم‌تر از همه، دشمن اصلی سوریه، یعنی اسرائیل دارای برتری نظامی همیشگی نسبت به سوریه است. از دست دادن بلندی‌های جولان، که تنها دفاع طبیعی سوریه در مقابل اسرائیل محسوب می‌شد، نگرانی‌های کاملاً جدی را برای سوریه به وجود آورده

۱. «بحران در سوریه»، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۹۰، ص ۵.

است. این توازن قدرت نامطلوب در منطقه، سوریه را مجبور به پذیرش واقعیت اسرائیل و تلاش برای کسب قدرت جهت مهار تهدید اسرائیل نموده است. در این میان در زمان ریاست جمهوری اسد پدر و در زمان خود بشار اسد، تلاش‌هایی در جهت عادی‌سازی روابط با غرب انجام شد که این روابط همچنان به دلیل حمایت غرب از اسرائیل چندان بهبود نیافت. پیش از حزب بعث (۱۹۶۳-۱۹۴۳) سوریه به خاطر بی‌ثباتی در داخل، تبدیل به کشور آسیب‌پذیری در بیرون گشته بود؛ این ضعف داخلی و عدم انسجام خارجی تاکنون نتوانسته از سوریه کشوری اثرگذار در منطقه بسازد. از طرفی از آنجا که سوریه به تنهایی فاقد منابع کافی برای ادامه سیاست خود بود، اسد به دستکاری ائتلاف‌ها بدون توجه به ایدئولوژی متحدین اقدام نمود. ائتلاف‌های جدید شرایط تازه‌ای را برای دستیابی به اهداف سوریه مهیا می‌ساخت. از این رو وی به طور همزمان ائتلاف‌هایی را با کشورهای نفت خیز عربی، اتحاد شوروی و ایران اسلامی پی‌ریزی نمود که این ائتلاف‌ها تا امروز به اشکال گوناگون با نوسان روبه‌رو بوده است. حال با شناخت وضعیت سوریه در منطقه و نظام بین‌الملل، می‌توان به درک روشن‌تری از موقعیت این کشور دست یافت. با اوج‌گیری بحران داخلی سوریه، تاکنون کشورهای همسایه عربی و غیر عربی منطقه و قدرت‌های بزرگ، واکنش‌های متفاوتی نسبت به این جریان نشان داده‌اند. واکنش‌ها در قبال بحران سوریه آزمونی بزرگ را فراروی این کشور قرار داده است که بی‌درایتی و بی‌تدبیری می‌تواند لطمات جبران‌ناپذیری به همراه داشته باشد.<sup>۱</sup>

### سیاست خارجی سوریه و چالش‌های آن

با آغاز طرح جدید امریکا برای خاورمیانه، سیاست خارجی سوریه با مشکلات فراوانی روبه‌رو شد که تأثیر مستقیمی را بر نقش این کشور در منطقه و نظام جهانی گذارده است.

سیاست خارجی سوریه متأثر از همسایگی با رژیم صهیونیستی و اشغال بلندی‌های جولان توسط اسرائیل است و وجود رژیم اسرائیل تهدید راهبردی برای سوریه به حساب می‌آید. لذا با در نظر گرفتن این اصل، تهدیدات و چالش‌های فراروی سوریه را می‌توان به شکل زیر بیان کرد: در لبنان با توجه به موقعیت جغرافیایی و جایگاه ژئوپلتیک آن در روند جنگ اعراب و اسرائیل و همچنین حضور تعداد کثیری از

۱. مرضیه سخاوتی، «سوریه در آزمونی پیش‌رو»، سیاست روز، ۱۳۹۰، ص ۱۰.



نمایندگان فلسطینی در این کشور، نسبت به تهدید جنگ گروه‌ها و جناح‌های سیاسی دارای نفوذ، اقدام شده است و در نهایت عدم ثبات، امنیت و حاکمیت سیاسی در لبنان، دخالت بسیاری از کشورهای خارجی در امور جاری این کشور را در پی داشت. تبدیل شدن لبنان به صحنه رقابت قدرت‌های بزرگ و منطقه‌ای با توجه به ویژگی عمده ژئوپلتیک لبنان و بحرانی بودن صحنه داخلی این کشور به همراه تجاوزات رژیم اسرائیل به خاک لبنان، موجب شد تا سوریه برای حفظ منافع و امنیت ملی خود و نیز آرمان مبارزه با اسرائیل، نیروهای نظامی خود را به لبنان اعزام نماید.<sup>۱</sup>

اما با توجه به تحولات بعد از آزادسازی جنوب لبنان در سال ۲۰۰۰ توسط مقاومت اسلامی و ترور رفیق حریری در سال ۲۰۰۵، یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی که سوریه با آن دست به گریبان است، مسئله لبنان و به خصوص تشکیل دادگاه بین‌المللی برای محاکمه این ترور می‌باشد. هر چند سوریه معتقد است و بر این نکته اصرار دارد که هیچ‌گونه نقشی در این ترور نداشته است و هیچ دلیلی نیز برای آن در دست نیست، اما تشکیل چنین دادگاهی بر اساس تصمیم شورای امنیت سازمان ملل متحد، می‌تواند چالش‌های مهمی برای دولت مردان سوریه باشد؛ چون با تشکیل این دادگاه می‌تواند مقامات عالی سوریه حتی بشار اسد را به دادگاه احضار کنند و نقش چنین عملی می‌تواند تضعیف و نقض حاکمیت ملی سوریه و شخص بشار اسد را فراهم آورد.

مسئله دیگر برای سوریه را می‌توان تعیین مرزهای بین دو کشور و از همه مهم‌تر نقشی که لبنان می‌تواند در پناه دادن به مخالفان دولت سوریه داشته باشد، بر شمرد؛ از سوی دیگر تحت تأثیر قرار گرفتن تنظیم رابطه با گروه‌های هم‌پیمان خود در لبنان نیز می‌تواند فشارها را بر دولت سوریه افزایش دهد.<sup>۲</sup>

## مهم‌ترین چالش‌های سیاست خارجی سوریه

۱. سازگاری با شرایط پس از جنگ سرد و سقوط شوروی به عنوان هم‌پیمان استراتژیک سوریه؛

۲. تغییر استراتژی هیئت حاکمه امریکا از اجرای تئوری ثبات منطقه‌ای (که حاکم بر سیاست خارجی امریکا بود) به تئوری هرج و مرج خلاق در دولت بوش که تاکنون نیز توسط دولت جدید او با ما همین سیاست دنبال می‌شود؛

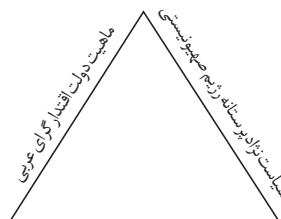
۱. احمد سلطانی نژاد، «عوامل ژئوپلتیکی مؤثر بر شکل‌گیری سیاست خارجی سوریه»، ژئوپلتیک، س ۲، ش ۲، ۱۳۸۸، ص ۱۰۶.

۲. کتاب سبز سوریه، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۸۷، ص ۱۸۲.

۳. تغییر در توصیف امریکا به گروه‌های هم‌پیمان سوریه و تروریست نامیدن آنها؛
  ۴. نادیده گرفتن مطلق تلاش برای به جریان انداختن مذاکرات صلح سوریه و اسرائیل از سوی امریکا و اروپا و عدم درج آن در برنامه کار سیاست‌های منطقه‌ای و جهانی؛
  ۵. حمله نظامی و مستقیم امریکا به عراق و قرار دادن سوریه میان پتم و سندان اسرائیل؛
  ۶. تحولات جدید سیاسی لبنان شامل تشکیل کمیته تحقیق قتل رفیق حریری، تأکید بر لزوم همکاری سوریه با این کمیته و همچنین مرز با لبنان، باز کردن سفارت در آن و تشکیل دولت جدید در لبنان؛
  ۷. تغییر موضع اروپا از مخالفت با حضور نظامی امریکا در عراق به موضع کمک‌کننده و مساعد و رساندن طرح شراکت سوریه و اروپا به بن‌بست.
- موارد ذکر شده مهم‌ترین چالش‌های سیاست خارجی سوریه است که نه تنها بر روابط خارجی این کشور بلکه بر مسائل داخلی آن نیز در راستای دستیابی بر اصلاحات سیاسی، تحول اقتصادی و پیشرفت اجتماعی تأثیر گذاشته است.<sup>۱</sup>

### منابع تنش در روابط سوریه و غرب

جنبش‌های مردمی جدید در خاورمیانه، می‌روند تا فصلی نو در تاریخ رقم بزنند. این جنبش‌ها در واکنش و مخالفت با سه عنصر تعیین‌کننده خاورمیانه معاصر شکل گرفته‌اند: ۱. ماهیت دولت اقتدارگرای عربی ۲. سیاست نژادپرستانه رژیم صهیونیستی نسبت به فلسطینیان ۳. سیاست سلطه امریکا در منطقه. این سه عنصر به صورتی در هم تنیده و مرتبطند که می‌توان از آن به مثالت سیاست روز منطقه خاورمیانه نام برد.



مثالت سیاست روز منطقه خاورمیانه  
(عناصر تعیین‌کننده خاورمیانه معاصر)



سیاست خارجی سوریه متأثر از همسایگی با رژیم صهیونیستی و اشغال بلندی‌های جولان توسط اسرائیل است و وجود رژیم اسرائیل تهدید راهبردی برای سوریه به حساب می‌آید

در حالی که منازعه اعراب-اسرائیل، کل تاریخ خاورمیانه معاصر را پس از جنگ جهانی دوم تحت الشعاع خود قرار داده است، سیاست خارجی امریکا در خاورمیانه هم، همیشه و همواره مبتنی بر حمایت بی‌دریغ از اسرائیل بوده است. اگر سیاست خارجی امریکا را در خاورمیانه بعد از جنگ دوم

جهانی بر اساس بنیان‌های تغییرناپذیر در برهه‌های مختلف حکومتی امریکا برشماریم، به دو عنصر همیشه حاضر در این سیاست خارجی برمی‌خوریم. حفظ تمامیت ارضی اسرائیل در قالب یک‌جانبه و کامل از آن و تضمین ثبات استراتژیک صدور انرژی خاورمیانه به غرب.

دولت‌های عربی در طول این مدت غالباً در پارادوکس ظاهراً لاینحلی گرفتار بوده‌اند؛ از یک سو در برابر رژیم صهیونیستی، آنان وادار به موضع‌گیری‌های متضاد هستند که همیشه در راستای خواسته‌های امریکا نبوده و از سوی دیگر، همواره امریکا را به مثابه بازیگر هژمون منطقه و نظام بین‌الملل، در برابر خود داشته‌اند و خود را ناتوان از عدم همراهی با آن دیده‌اند.<sup>۱</sup>

از اصلی‌ترین سیاست‌های ایالات متحده امریکا در منطقه خاورمیانه همواره این بوده است که از طریق ایجاد صلح میان اعراب و اسرائیل یک حریم امن برای اسرائیل ایجاد کند. این سیاست را ایالات متحده به ویژه پس از اینکه موفق شد مصر را به صلح با اسرائیل تشویق کند، با قدرت بیشتری دنبال کرده است؛ دولت‌مردان کاخ سفید این باور را داشتند هر اندازه که اسرائیل به لحاظ توانمندی نظامی قوی هم باشد اما توسط همسایگانش به رسمیت شناخته نشود، نمی‌تواند امنیت داشته باشد. بدین خاطر از ابتدای دهه ۱۹۸۰ سیاست امنیت اسرائیل در سایه پذیرش همسایگان توسط ایالات متحده دنبال شده است و هم‌اکنون نیز ادامه دارد. در این راستا ایالات متحده دو اقدام متفاوت را انجام داده است؛ اول اینکه آن دسته از دولت‌هایی که حاضر به پذیرش صلح با اسرائیل شده‌اند را مورد تشویق و عنایت خود قرار داده است و کمک‌های فراوان اقتصادی، سیاسی و نظامی در اختیار آنها قرار داده است. در این باره می‌توان به دولت مصر اشاره کرد؛ به گونه‌ای که یکی از منابع مهم اقتصاد مصر کمک‌های ایالات متحده امریکا بود که هر گونه وقفه و اختلالی در آن بلافاصله تأثیرش را بر اقتصاد مصر

۱. مجید مرادی، «تأملاتی در انقلاب‌های جدید عربی»، آیین گفت‌وگو، ۱۳۹۰، ص ۱۲۹.



می گذاشت.<sup>۱</sup>

اقدام دیگر ایالات متحده، تنبیه و اعمال فشار بر آن دسته از بازیگرانی بوده است که نگرش مقاومت در برابر اسرائیل را دارند و با صلح با اسرائیل مخالف هستند. در رابطه با مسئله فلسطین و اسرائیل یک دسته از بازیگران دولتی و غیر دولتی وجود دارند که کماکان به آرمان‌های فلسطین اعتقاد دارند و هر گونه صلح و سازش با اسرائیل را خیانت به آرمان‌های فلسطین و حتی اسلام می‌دانند. طبیعتاً این نگرش با آن سیاست امریکا که ذکر آن رفت در تضاد است و پیگیری آن را دچار مشکل می‌کند. ایالات متحده این دسته از بازیگران را مانع صلح خاورمیانه معرفی می‌کند و همواره به دنبال آن بوده است که از طریق همراه کردن دیگر دولت‌های غربی و عربی به اعمال فشار علیه آنها بپردازد. ایالات متحده بازیگرانی مانند جمهوری اسلامی ایران، سوریه، حزب‌الله و برخی گروه‌های فلسطینی مانند حماس را جزء این دسته از کنش‌گران معرفی می‌کند. دولت‌های غربی و مشخصاً ایالات متحده از اینکه سوریه هنوز هم اسرائیل را به رسمیت نشناخته و حاضر به پذیرش صلح با اسرائیل نیست، را کنش‌گر مطلوبی نمی‌دانند.<sup>۲</sup>

در میان کنش‌گران مخالف صلح با اسرائیل، حزب‌الله و سوریه برای ایالات متحده از حساسیت بسیار بالایی برخوردار است؛ زیرا این دو بازیگر تأثیرگذار، بیشترین نزدیکی ممکن با اسرائیل را دارند و قادرند امنیت اسرائیل را در معرض خطر قرار دهند. به عبارت دیگر چون این دو بازیگر بیشترین نزدیکی را با اسرائیل دارند، به راحتی قادرند که تهدیدات خود را علیه این رژیم با دشواری بسیار کمتری انتقال دهند. بدین خاطر چه ایالات متحده و چه اسرائیل، همواره توجه خاص و ویژه‌ای به امور مرتبط با سوریه و حزب‌الله داشته‌اند. آغاز برخی تحولات در سوریه، ایالات متحده را بر آن داشت که از این طریق بتواند فشارهای بین‌المللی را علیه سوریه تشدید کند. امریکا از طریق این فشارها دو هدف عمده را دنبال می‌کرد: اول اینکه سوریه را مجبور به تسلیم شدن بکند که یکی از این شاخصه‌های تسلیم شدن سازش با اسرائیل است؛ دوم اینکه در صورت عدم تحقق هدف اول با تغییر نظام سیاسی سوریه، یک نظام طرفدار غرب و سازش‌گرا با اسرائیل سر کار آورد.<sup>۳</sup>

۱. طهمورث غلامی، «تحولات جاری در سوریه»، مؤسسه مطالعات بین‌المللی صلح، ۱۳۹۰، ص ۵.

۲. روح‌الله قاسمیان، طرح عربی و توطئه غربی برای روسیه، تهران، مؤسسه چشم‌انداز توسعه و امنیت، ۱۳۹۰، ص ۵.

۳. سمیه خمارباقی، طرح منطقه‌ای برای براندازی نظام سوریه، تهران، مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، ۱۳۹۰، ص ۸.

دولت‌های سابق و جدید آمریکا خود را در چهارچوب نظریه هرج و مرج سازنده محصور نموده‌اند که می‌توان به تحقیق گسترده مجله نیویورک اشاره کرد. شیمون هر تس در این تحقیق می‌نویسد: آمریکا ارتباط ارزشمند اطلاعاتی خود را با سوریه در خصوص القاعده از دست داده است؛ زیرا بشار اسد رئیس جمهور سوریه از گسترش همکاری با آمریکا در این زمینه سر باز زده است؛ باید گفت جناح‌بازها در آمریکا معتقدند همکاری با سوریه در مورد کانال‌های اطلاعاتی مرتبط با القاعده، مسئله‌ای بود که اسد می‌بایست در راستای حمایت از تلاش‌های جنگ آمریکا حرکت می‌کرد و بدین ترتیب واشنگتن به حالت نزاع میان دو هدف در مورد سوریه رسید که عبارت است از:

۱. متزلزل نمودن ثبات این کشور و سرنگون کردن نظام از طریق ارتباط با نیروهای معارض

۲. فشار بر سوریه و منزوی کردن آن از طریق اجرای برخی سیاست‌ها مانند:  
الف. متهم کردن سوریه به بهانه نقش داشتن در از بین بردن امنیت و صلح در عراق و تضعیف دموکراسی سوریه

ب. فشار بر سوریه از طریق قطعنامه ۱۵۹۵، تحقیق پیرامون ترور رفیق حریری و طرح مستمر این مسئله با استفاده از بند ۷ منشور سازمان ملل

پ. هدف قرار دادن زمینه‌های مهم و جهانی نظام از طریق مسموم نمودن رابطه با لبنان و اجازه ندادن به گسترش رابطه با عراق، اعمال فشار بر ترکیه، اردن و سایر کشورها و محدود کردن رابطه آنان با سوریه

ت. خالی کردن نظام در سوریه از هر گونه حمایت‌های مردمی از طریق پمپاژ رسانه‌ای سنگین و متمرکز علیه سوریه و بزرگ نمودن اشتباهات آن و مشکلاتش و اتهام‌های فزاینده

ث. تلاش برای ایجاد اختلافات طایفه‌ای و قومی و در نتیجه نفوذ به درون بافت، ساختار و تضعیف مصونیت نظام و دولت فعلی سوریه.<sup>۱</sup>

### منابع تنش در روابط اتحادیه عرب و سوریه

زیر مجموعه امنیتی خلیج فارس که یکی از زیرمجموعه‌های منطقه خاور میانه است، به اعتقاد باری بوزان از بعد جنگ جهانی دوم مبتنی بر یک مثلث رقابت‌آمیز میان ایران، عراق و عربستان (که بعداً دیگر کشورهای عرب حوزه خلیج فارس را در قالب شورای

۱. همان، ص ۲۷.

از اصلی‌ترین سیاست‌های ایالات متحده آمریکا در منطقه خاورمیانه همواره این بوده است که از طریق ایجاد صلح میان اعراب و اسرائیل یک حریم امن برای اسرائیل ایجاد کند. این سیاست را ایالات متحده به ویژه پس از اینکه موفق شد مصر را به صلح با اسرائیل تشویق کند، با قدرت بیشتری دنبال کرده است

همکاری خلیج فارس هدایت و رهبری می‌کرد) بوده است. هر کدام از این سه کشور تلاش می‌کردند که حداقل، توازن قدرت را میان خود نگه دارند و در یک هدف حداکثری، آن را به نفع خود به هم زنند. اساس رقابت میان سه کشور مبتنی بر قدرت بود.<sup>۱</sup> با وقوع انقلاب اسلامی ایران، اسلام سیاسی به مهم‌ترین فاکتور شکل‌دهنده غیر مادی به رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تبدیل شد. بر این مبنای، آنچه جمهوری اسلامی در سطح منطقه دنبال می‌کرد، مانند دوران حکومت محمدرضا شاه نبود

که توازن قدرت میان خود و دو کشور عراق و عربستان را حفظ کند یا اینکه آن را به نفع خود به هم بزند؛ بلکه این بود که اسلام به عنوان مؤلفه غیر مادی را در سطح منطقه به یک نهضت فراگیر تبدیل کند؛ اینجا بود که عراق و عربستان برای اولین بار در مقابل جمهوری اسلامی ایران در کنار یکدیگر قرار گرفتند و با هم متحد شدند. در این میان، چون دیگر کشورهای منطقه نیز از گسترش اسلام انقلابی نگران بودند و با آن میانه خوبی نداشتند، در کنار عربستان و عراق قرار گرفتند. اوج این اتحاد در مقابل اسلام انقلابی، آغاز جنگ عراق علیه ایران و حمایت دیگر کشورهای منطقه از جمله عراق بود. لذا این رقابت در دهه ۱۹۸۰ از حالت مثلث خارج شد و حالت تک‌خطی به خود گرفت؛ بدین معنی که یک طرف خط اتحاد عربستان و عراق قرار داشت و طرف دیگر آن جمهوری اسلامی ایران. با حمله عراق به کویت و حمله ائتلاف به عراق و به دنبال آن اعمال تحریم‌های شدید علیه حزب بعث عراق، دولت عراق به تدریج از گردونه رقابت حذف شد و این رقابت محدود به ایران و عربستان شد. با سقوط نظام سیاسی عراق و به دنبال آن قدرت گرفتن شیعیان عراق و تداوم روابط ایران با سوریه و حزب‌الله، توازن قدرت تا حدودی به نفع جمهوری اسلامی در حال تغییر بود که عربستان از این وضعیت چندان راضی نبود. نارضایتی عربستان و دیگر دولت‌های اصلی عرب بیشتر از سوریه بود که مواضع ایران را در منطقه تقویت می‌کرد و این در حالی بود که آنها انتظار داشتند که سوریه به عنوان یک دولت عربی در کنار آنها قرار گیرد. بنابراین یکی از دلایل اصلی که

۱. اندرو تریل، «رقابت ایران و عربستان و آینده امنیت خاورمیانه»، اندیشکده مطالعات راهبردی آمریکا، ۱۳۹۰.

عربستان و دیگر اعضای اصلی اتحادیه عرب با سوریه مشکل دارند این است که آنها از همراهی و همکاری سوریه با دولت ایران راضی نیستند.<sup>۱</sup>

با شروع بیداری اسلامی و آغاز تحولاتی در کشورهای بحرین و یمن، وضعیت منطقه‌ای عربستان بدتر شد ولی در مقابل با توجه به احتمال روی کار آمدن دولت‌های طرفدار یا متمایل به جمهوری اسلامی ایران، وضعیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران روز به روز بهتر می‌شد. آغاز برخی تحولات در کشور سوریه این فرصت را برای اتحادیه عرب فراهم کرد تا بتواند سوریه را به خاطر عدم همراهی با آنها و ضعیف کردن مواضع منطقه‌ای ایشان در مقابل ایران، تحت فشار قرار دهند که یا تسلیم شود و از ایران روی برگرداند یا اینکه سوریه را تغییر دهند.<sup>۲</sup>

رابطه سوریه با دو کشور مصر و عربستان طی سال‌های متمادی توانسته بود محور قوی از کشورهای عربی را به وجود آورد که با یکدیگر در خصوص مسائل منطقه تا حدودی هماهنگ بودند و نقش مهمی ایفا نمودند اما بعد از ترور رفیق حریری و سپس جنگ ۳۳ روزه با رژیم صهیونیستی علیه حزب‌الله و جنگ ۲۲ روزه غزه و انتقاد شدید بشار اسد از رهبران کشورهای عربی به خاطر عدم همکاری با حزب‌الله و فلسطین و تشویق رژیم صهیونیستی به ادامه حملات، روابط به تیرگی گرایید. رژیم صهیونیستی و امریکا از این موضوع برای در انزوا قرار دادن بشار اسد استفاده و حتی سعی نمودند نقش منطقه‌ای سوریه را به اردن اعطا کنند؛ اما بعد از مدتی متوجه شدند اردن پتانسیل ایفای چنین نقشی را ندارد. ولی اقدام برای در انزوا قرار دادن سوریه تا حدودی موفقیت‌آمیز بود؛ به طوری که به دنبال تجاوز هوایی رژیم اسرائیل به حریم هوایی سوریه در شهریور سال ۱۳۸۶، هیچ یک از کشورهای عرب و کنش در خوری نشان ندادند.<sup>۳</sup>

عربستان تلاش می‌نماید سوریه را از محور مقاومت دور و به محور سازش نزدیک سازد. این موضوعی است که بارها در رسانه‌های وابسته به عربستان مورد تأکید قرار گرفته است و یکی از شرایط بهبود رابطه با سوریه را کاهش روابط سوریه با ایران اعلام نموده‌اند؛ شرطی که به سختی می‌تواند مورد موافقت بشار اسد قرار گیرد. عربستان در ۳۰ سال گذشته همواره برای کاهش رابطه ایران با سوریه تلاش نمود اما هرگز این تلاش‌ها با موفقیت همراه نبوده است؛ در این خصوص کافی است به تلاش‌های عربستان

۱. خیام الزعی، «تجزیه و تحلیل روابط سیاسی سوریه و ایران ۲۰۰۲-۱۹۷۹»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۴، ص ۳۰.

۲. طهمورث غلامی، همان، ص ۱۰.

۳. بولتن سوریه، ۱۳۸۸، ص ۴.

برای ممانعت از گسترش روابط ایران و سوریه در دوران جنگ ایران با عراق اشاره نمود.<sup>۱</sup>

### اقدامات عربستان سعودی در تشدید بحران سوریه

۱. فعال سازی شورای همکاری خلیج فارس و اتحادیه عرب در جهت اعمال فشار علیه بشار اسد و زمینه سازی برای تکرار تجربه لیبی در سوریه

۲. کمک مالی، تسلیحاتی و لجستیکی به معارضان سوریه در خارج و داخل

۳. همکاری و هماهنگی ریاض با محور منطقه ای ترکیه - قطر - اسرائیل و محور بین المللی امریکا - فرانسه و انگلیس، علیه تضعیف و حتی براندازی نظام و دولت فعلی سوریه

۴. تلاش برای تقویت جریان سلفی و وهابی در سوریه

۵. فعال سازی رسانه های گروهی خود مانند شبکه العربیه و نشریاتی چون *الشرق الاوسط* و *الحیاه* و تمام سیاست های سلفی و وهابی برای تحریک افکار عمومی جهان غرب و اسلام علیه دولت سوریه و تخریب چهره آن در اذهان عمومی

۶. فراخوانی سفیر عربستان سعودی و نقش تحریک کننده آن در فراخوانی سفیر کویت و بحرین.<sup>۲</sup>

### مواضع روسیه در تحولات سوریه

وقوع انقلاب های عربی و قیام های مردمی در شمال آفریقا و خاورمیانه، روسیه را مانند بسیاری از بازیگران بین المللی شگفت زده کرد. از این رو روسیه در صدد برآمد تا با ارزیابی وضع موجود به اتخاذ سیاست هایی برای تداوم ادامه حضور و نفوذ خود در این منطقه حساس دست بزند. در واقع با توجه به تحولاتی که در جهان عرب و خاورمیانه اتفاق افتاده است، روسیه تلاش می کند موقعیت قبلی خویش را در خاورمیانه تحکیم کند و بتواند نقش مهم تری را در آینده منطقه ایفا نماید. در این شرایط، روسیه همانند قدرت های بزرگ دیگر، با توجه به این تحولات غافلگیرانه، سعی در تنظیم سیاست های خود متناسب با این تحولات می کند. این امر به ویژه برای این کشور که در زمان شوروی سابق در منطقه شمال آفریقا و خاورمیانه از نفوذ قابل ملاحظه ای برخوردار بود، حائز اهمیت می باشد.

۱. همان.

۲. سانا، ۱۳۹۰.

در میان کنش‌گران مخالف صلح با اسرائیل، حزب‌الله و سوریه برای ایالات متحده از حساسیت بسیار بالایی برخوردار است؛ زیرا این دو بازیگر تأثیرگذار، بیشترین نزدیکی ممکن با اسرائیل را دارند و قادرند امنیت اسرائیل را در معرض خطر قرار دهند

نزدیکی جغرافیایی منطقه خاورمیانه به مرزهای جنوبی روسیه، بر اهمیت این منطقه حساس در محاسبات استراتژیک روسیه می‌افزاید. در شرایط بحرانی خاورمیانه، کرملین در تلاش است تا ضمن حفظ وجهه خود در جهان عرب، سیاست‌های متناسب با تحولات جاری را اتخاذ کند. تحولات در منطقه عربی خاورمیانه، نگرانی‌هایی جدی در میان نخبگان سیاسی روسیه برانگیخته است. رئیس‌جمهور روسیه با اشاره به تحولات سریع در خاورمیانه، نگرانی خود را چنین ابراز داشته است:

این دولت‌ها بسیار پیچیده هستند و این احتمال وجود دارد که فنانیک‌ها (واپس‌گراها) به قدرت برسند. لازم است که به واقعیت‌ها توجه نمود. آنان از قبل چنین سناریویی را برای ما آماده کرده بودند.<sup>۱</sup>

روسیه که از متحدان قدیمی دولت سوریه و از کشورهای دارای پایگاه دریایی در آب‌های این کشور است، کشورهای غربی را به تحریک مخالفان دولت بشار اسد متهم و تصمیم «کشورهای عضو اتحادیه عرب» برای تعلیق عضویت سوریه را محکوم کرد. همچنین روسیه و نیز چین نیز با طرح «شورای امنیت سازمان ملل» مبنی بر اعمال تحریم علیه سوریه مخالفت نمودند. در این میان احتمال مداخله نظامی روسیه به جای سوریه و به طرفداری از این کشور بسیار بعید است. البته روسیه، «شورای امنیت» را در اعمال سیاست‌های خود علیه سوریه نیز همراهی نخواهد کرد، همانند حالتی که برای لیبی اتفاق افتاد و روسیه اجازه تصویب قطعنامه علیه این کشور را نداد. با توجه به اشتیاق کم کشورهای غربی برای شروع جنگی دیگر، نداشتن مجوز قانونی باعث خواهد شد تا «شورای امنیت» بهانه خوبی برای اجتناب از هر گونه اقدام علیه سوریه داشته باشد.<sup>۲</sup> از دیدگاه مسکو قضیه سوریه با آنچه در لیبی روی داد، کاملاً متفاوت است؛ روسیه از دیرباز و از زمان شوروی سابق روابط بسیار نزدیکی با حکومت سوریه داشته است. سوریه تقریباً کلیه نیازهای تسلیحاتی خود را از روسیه تأمین می‌کند و یکی از مهم‌ترین مشتریان تسلیحات روسیه محسوب می‌شود. علاوه بر این، روسیه از امتیاز بهره‌برداری از

۱. ناصر ثقفی عامری، «روسیه و انقلاب‌های عربی»، روابط خارجی، ۱۳۹۰، ص ۶.  
۲. خبرگزاری دوپچه وله، ۱۳۹۰.





یک پایگاه دریایی در دریای مدیترانه برای حضور ناوگان جنگی خود در بندر طراطوس در سوریه برخوردار می‌باشد. این امر برای روسیه، مزیت استراتژیک مهمی جهت حضور در دریای مدیترانه محسوب می‌گردد. از این رو جای تعجب نیست که روسیه سرسختانه از سوریه در قبال فشارهای غرب حمایت نموده است. ارتباط سوریه و لبنان و روابط ویژه آن دو کشور با ایران نیز از نکات مورد توجه روسیه به شمار می‌رود. دعوت مسکواز حزب الله (جنبش مقاومت اسلامی) لبنان برای سفر و دیدار با مقامات روسی (که برای نخستین بار از سوی یک کشور اروپایی و در شرایط بحرانی منطقه انجام پذیرفت و سوریه به شدت تحت فشار غرب و اتحادیه عرب قرار دارد)، از هر حیث واجد اهمیت است.

محمد رعد، رئیس فراکسیون وفاداری به مقاومت وابسته به حزب الله در پارلمان لبنان که در رأس هیئت سه نفری از روسیه بازدید می‌کرد، در پی دیدار خود با ولادیمیر ژینوفسکی نایب رئیس دوما (مجلس) روسیه اظهار داشته:

موضع روسیه در شورای امنیت در جریان رأی دادن به طرح تحریم سوریه موجب شد که مانعی در مقابل تلاش برخی طرف‌های غربی برای مداخله در امور منطقه و گسترش نفوذ خود در خاورمیانه ایجاد شود.<sup>۱</sup>

### چالش‌های موجود میان سوریه با اسرائیل

به دنبال تشکیل اسرائیل در تاریخ ۱۴ مه ۱۹۴۸ که مقدمات آن در اعلامیه بالفور فراهم شده بود، بزرگ‌ترین چالش داخلی و منطقه‌ای کشورهای عربی، رژیم اسرائیل و نحوه تعامل با این رژیم بوده و سوریه همواره به عنوان یکی از سردمداران مبارزه با رژیم اسرائیل از همان سال تاکنون بوده است و در رویکرد جنگ‌های اعراب و اسرائیل حضور فعال و چشمگیر داشته است. حتی در جنگ‌های اخیر اسرائیل با حزب الله و حماس نیز حضور معنوی سوریه در کنار جریان مقاومت بسیار چشم‌گیر بوده است؛ دلیل اصلی منازعات سوریه و اسرائیل که فراتر از منازعات دیگر کشورهای عربی با اسرائیل می‌باشد، همسایگی این دو کشور با یکدیگر و تهدید مستقیم متقابل می‌باشد و این تهدید از سال ۱۹۴۸ همواره حالت بالقوه نداشته و در برخی موارد بالفعل شده است.<sup>۲</sup> با توجه به اینکه دو کشور سوریه و فلسطین اشغالی به عنوان رقیب یکدیگر در منطقه شناخته می‌شوند، یکی از مهم‌ترین منازعات موجود میان این دو کشور، منازعات

۱. ناصر ثقفی عامری، همان، ص ۱۷.

۲. محمد شیخ الاسلام، «منازعات اعراب و اسرائیل»، اطلاعات، ۱۳۸۸/۱/۲۶، ص ۳.



سیاسی و امنیتی می‌باشد؛ به این ترتیب که قدرت گرفتن هر کدام از این دو رقیب در منطقه، به ضرر طرف دیگر بوده و قدرت آن را در منطقه کاهش می‌دهد، لذا هر دو کشور سعی دارند نقش مؤثر و فعالی را در ترتیبات سیاسی و امنیتی منطقه ایفا کنند. با نگاهی به مسائل مذکور می‌توان گفت خصومت میان اسرائیل و سوریه عمیق بوده و به راحتی برطرف نمی‌شود. در همین زمینه لازم به ذکر است که در گفت‌وگوهای سوریه با اسرائیل در خلال کنفرانس صلح مادرید ۱۳۱ اکتبر ۱۹۹۱، اخبار زیادی حاکی از تحولات وسیعی برای دسترسی به تفاهم میان سوریه و اسرائیل منتشر گردید و حتی اعلام شد دو طرف سوری و اسرائیل بر روی ۸۰ درصد موضوعات مورد اختلاف به تفاهم رسیده‌اند، اما روی ۴ مسئله سرزمین، آب، ترتیبات امنیتی و بهبود روابط، کماکان با مشکل مواجه می‌باشند.<sup>۱</sup>

این امر حکایت از مشکلات عمیق و اساسی میان دو کشور دارد که حتی توافق ۸۰ درصدی روی مسائل مختلف فی‌مابین را تحت الشعاع قرار می‌دهد. روابط سوریه پس از ۱۱ سپتامبر با توجه به حمایت‌های بی‌دریغ سوریه از مقاومت اسلامی، حزب‌الله و حماس وارد مرحله جدیدی گردید.

هنری کسینجر دیپلمات و تحلیل‌گر مشهور امریکا که بیش از نیم‌قرن در جریان بحران خاورمیانه بوده، جمله بسیار مشهوری درباره جایگاه سوریه دارد. وی می‌گوید: «جنگ با اسرائیل بدون پیروزی بر مصر و صلح با اسرائیل بدون صلح با سوریه امکان‌پذیر نیست.»<sup>۲</sup>

## همسایگی سوریه و عراق

سیاست‌های اعلامی و اعمالی دولت بشار اسد طی چند سال گذشته به عراق یکسان نبوده و به رغم حمایت از روند سیاسی تازه در عراق، در عمل همراهی مشخصی با دولت عراق از خود بروز نداده است. پس از اشغال عراق در مارس ۲۰۰۳، سوریه همواره به عنوان یکی از عوامل بی‌ثباتی در عراق از سوی امریکا و انگلیس معرفی گردید؛ سوریه از سوی امریکا و در مقاطعی از سوی مقامات ارشد عراق متهم می‌گردید که به دلیل عدم نظارت و کنترل کافی بر مرزهای خود با عراق، راه ورود تروریست‌ها و بمب‌گذاران خارجی را به این کشور هموار نموده است؛ به طوری که در سال ۲۰۰۵

۱. محمدعلی امانی، سیاست و حکومت در سوریه، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۷، ص ۱۰۵.

2. www.thinkexist.com





ابراهیم جعفری نخست‌وزیر وقت عراق، خواهان آن شد که سوریه کنترل بیشتری بر مرزهای خود داشته باشد و از ورود تروریست‌ها به عراق جلوگیری نماید. از سوی دیگر درخواست‌های مقامات عراقی و اتهامات امریکا در مورد نقش غیر سازنده سوریه در روند تحولات عراق، همواره با اعتراض سوریه مواجه می‌گردید و مقامات سوری ضمن محکوم کردن اشغالگری، بر حمایت خود از روند سیاسی عراق پس از انتخابات پارلمان تأکید می‌کردند.<sup>۱</sup>

به طور کلی از سیاست‌های چند سال اخیر سوریه در عراق می‌توان چنین نتیجه گرفت که سوریه به هر طریقی برای عدم موفقیت امریکا و افزایش نقش و نفوذ خود در عراق تلاش می‌نماید تا اینکه امریکا نقش سوریه در عراق و لبنان را به رسمیت بشناسد و به آن توجه کند.

### رویکرد دولت ترکیه به تحولات سوریه

رویکرد دولت ترکیه در قبال تحولات سوریه، بسیار شگفت‌انگیز و در حقیقت بر خلاف سیاست منطقه‌ای حزب اسلام‌گرایی عدالت و توسعه در سال‌های اخیر بوده است. اگرچه چندین دهه، روابط آنکارا و دمشق به دلایل متعدد از جمله: مناقشه بر سر میزان آب دجله و فرات، حمایت دمشق از جدایی طلبان کرد در ترکیه و پناه دادن به عبدالله اوچالان رهبر پ.ک.ک و حاکمیت بر منطقه هاتای یا اسکندرون که مساحت آن ۵۴۰۳ کیلومتر مربع است، بسیار سرد بود و به شدت روی این نکات اختلاف داشتند، اما روابط دو کشور طی سال‌های اخیر بسیار گرم شد.<sup>۲</sup> گفتنی است این منطقه تا سال ۱۹۳۹ بخشی از سوریه بود اما در این سال توسط فرانسه که قیومیت سوریه را به عهده داشت، به ترکیه داده شد و از آن زمان تاکنون چند بار منجر به بحران شدید میان دو کشور شده است. سوریه این واگذاری را غیر قانونی دانسته و هرگز آن را به رسمیت نشناخته است.<sup>۳</sup> پس از آنکه سوریه در سال ۱۹۹۸، از حمایت حزب کارگران کردستان خودداری کرد و رهبر آنها را تسلیم ترکیه نمود، تحول مثبت در روابط ترکیه و سوریه آغاز شد. به قدرت رسیدن بشار اسد در سوریه در سال ۲۰۰۰ و حزب عدالت و توسعه در ترکیه در سال ۲۰۰۲، سرعت توسعه روابط سیاسی-امنیتی و اقتصادی دو کشور را بسیار افزایش داد.

۱. محمود دهقانی، «روابط سوریه و عراق؛ ملاحظات و انتظارات»، گزارش راهبردی، ش ۲۱۸، آذرماه ۱۳۸۶.  
 ۲. اقدس اقبال، «سیاست خارجی ترکیه (جهت‌گیری‌های اخیر)»، تهران، همشهری دیپلماتیک، ۱۳۹۰، ص ۲۵.  
 ۳. اصغر جعفری ولدانی، «اختلافات سوریه و ترکیه بر سر منطقه هاتای»، سیاست خارجی، س ۱۳، ش ۳، ص ۷۶۴-۷۶۳.

در جریان جنگ تحمیلی، سوریه معتقد بود که این جنگ به هیچ وجه مسئله تقابل عربی - ایرانی نیست بلکه جنگ خصوصی عراق بود که وحدت نیروهای ضد صهیونیستی را تضعیف می کرد. بنابراین با اصرار، از جدا کردن راه خود از اعراب و عقد اتحاد با ایران دفاع می کرد

بین سال های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۹، دو کشور حدود ۵۰ توافق نامه همکاری امضا و ایجاد شورای عالی همکاری استراتژیک را اعلام کردند. علاوه بر این، ترکیه و سوریه نخستین تمرین نظامی مشترک را انجام دادند. در سال ۲۰۱۰، ترکیه و سوریه توافق نامه مبارزه با تروریسم را امضا کردند و در سال ۲۰۱۱، ترکیه به بزرگ ترین شریک تجاری سوریه تبدیل شد.

در این میان تحولات سوریه نیز به معضلی جدی برای سیاست خارجی ترکیه در سطح منطقه ای تبدیل شده است. ترکیه، منافع تجاری و اقتصادی مهمی در سوریه دارد که با تحولات در آن کشور، با مخاطراتی جدی روبه رو است. با آغاز ناآرامی ها در سوریه، ترکیه دولت بشار اسد را به انجام اصلاحات تشویق و از رویکرد وی در قبال معترضین، انتقاد نموده است. مقامات مختلف ترکیه از جمله اردوغان، نخست وزیر و داود اوغلو، وزیر خارجه این کشور بارها به سوریه سفر نموده و با بشار اسد در خصوص تحولات در این کشور مذاکرات مفصلی داشته اند. در این مذاکرات مقامات ترکیه آشکارا از رویکرد سوریه در مقابل مخالفین انتقاد نموده و خواستار انجام اصلاحات جدی و عمیق از سوی حکومت سوریه شده اند. از سوی دیگر ترکیه به اقدامات دیگر مانند بستر سازی برای اجلاس مخالفین، حمایت از پناهندگان سوری و همراهی با فشارهای سیاسی و اقتصادی غرب علیه سوریه مبادرت کرده است. این رویکرد ترکیه با اعتراض شدید مقامات سوریه روبه رو شده است و مقامات سوری به ترکیه هشدار داده اند که هر گونه تداوم بی ثباتی در این کشور، می تواند به شکل گیری تهدیداتی امنیتی برای ترکیه نیز منجر شود.

## استراتژی های ترکیه در خصوص تحولات سوریه

۱. برقراری روابط با جریان های مخالف سوریه و تلاش برای شناخت نیازها و مطالعه دقیق اهداف نهایی و قدرت آنها برای تحقق خواسته هایشان، در عین حال حفظ روابط با دمشق در بالاترین سطح و قانع ساختن آن کشور به پیشبرد اصلاحات جدی؛
۲. تلاش آنکارا با سرازیر شدن شماری از پناهندگان سوریه به خاک ترکیه، در ایجاد خط حائل برای جلوگیری از ورود پناهندگان سوری با هدف جلوگیری از ورود عناصر





القاعده و مخالفین کرد؛

۳. همراه شدن با تحریم‌های جامعه بین‌المللی علیه دولت سوریه، تا آنجا که به منافع

اقتصادی این کشور ضربه وارد نکند؛

۴. وارد شدن به فاز نظامی نرم علیه سوریه، در صورتی که سوریه خود عملیات نظامی

انجام دهد، چرا که به گفته مقام‌های ترک، این کشور به هیچ‌وجه قصد حمله نظامی به

سوریه را ندارد؛

۵. در صورتی که ترکیه به این درک برسد که نظام سوریه در حال فروپاشی است و

دیگر راه‌گریزی نیست، با حمایت قاطع شورای امنیت، ناتو، ایالات متحده و جامعه عربی

اسلامی، با هدف جلوگیری از گسترش ناآرامی‌های سوریه به دیگر نقاط منطقه از جمله

خاک خود اقدام خواهد کرد.<sup>۱</sup>

### میزبانی گروه‌های مبارز فلسطینی

یکی از ویژگی‌های سوریه که مرتبط با مواضع آن در قبال مسائل فلسطین است،

میزبانی مهم‌ترین گروه‌های مبارز فلسطینی است. پس از آن که ملک حسین در

سپتامبر سیاه ۱۹۷۰، گروه‌های فلسطینی مقیم اردن را قتل‌عام و آنها را اخراج کرد،

و نیز پس از تبعید سران گروه‌های مبارز فلسطینی به تونس و اشغال لبنان و خروج

رهبران گروه‌های مبارز فلسطینی، سوریه برخلاف سایر کشورهای عربی، میزبان سران

مذکور شد. امروزه، مقر اصلی گروه‌های ده‌گانه فلسطینی (موسوم به فصائل عشره)

در دمشق است. دمشق علاوه بر سران گروه‌های مبارز نظیر خالد مشعل رئیس دفتر

سیاسی حماس، رمضان عبدالشلیح دبیر کل جهاد اسلامی و... میزبان بیش از ۴۵۰ هزار

آواره فلسطینی است و این آوارگان حتی در مقایسه با لبنان دارای وضعیت مناسب‌تری

هستند. با توجه به مواضع سازش‌ناپذیر سوریه در مقابل رژیم صهیونیستی، حضور سران

مهم‌ترین گروه‌های فلسطینی، باعث شده که مسئله فلسطین فراموش نشود. بسیاری

از کشورهای عربی به دنبال بسته شدن پرونده آوارگان فلسطینی هستند و به بهانه‌ای

آنان را اخراج می‌کنند؛ برای نمونه دولت کویت در سال ۱۹۹۱ و پس از عقب‌رانده شدن

نیروهای عراق توسط ائتلاف بین‌المللی، ده‌ها هزار فلسطینی که در بخش‌های مختلف

صنعت نفت کویت کار می‌کردند و درآمد آنان بخشی از منابع مالی فلسطینی‌های

ساکن در سرزمین‌های اشغالی را تأمین می‌کرد، به بهانه حمایت از یاسر عرفات از صدام

۱. «رویکرد ترکیه بر تحولات جهان عرب و منافع منطقه‌ای ایران»، گزارش راهبردی، ش ۳۸۴، ۱۳۹۰.

حسین، اخراج کرد. اما دولت سوریه همچنان تلاش می کند که موضوع فلسطین و به ویژه آوارگان زنده بماند.<sup>۱</sup>

## سوریه، متحد راهبردی جمهوری اسلامی ایران

بخشی از فعالیت سوریه در جبهه مقابله با صهیونیسم در رواج ناسیونالیسم (پان عربیستی) در منطقه به رهبری جمال عبدالناصر بوده است. در مقطعی که این تفکر نتوانست موجب رهایی فلسطین شود و انورسادات جانشین جمال عبدالناصر در اواخر دهه ۱۹۷۰ با خواری، به سازش با صهیونیست‌ها تن داد و پیمان کمپ‌دیوید را با میانجی‌گری جیمی کارتر رئیس‌جمهور وقت امریکا امضا کرد، تحول مهمی در منطقه روی داد که در کوتاه‌ترین زمان به گفتمان غالب در مبارزه با صهیونیست تبدیل شد. این تحول، انقلاب اسلامی بود. سوریه با آگاهی یافتن از ناکارآمدی ناسیونالیسم پان‌عربی، برخلاف سایر کشورهای عربی که راه ستیز با انقلاب اسلامی را در پیش گرفتند، از در همراهی وارد شد و در دوران گفتمان انقلاب اسلامی، به فعالیت‌های ضد صهیونیستی پرداخت.

دولت سوریه که به اصالت و حقانیت انقلاب اسلامی پی برده بود، می‌رفت تا سرنوشت فلسطین را مشخص کند. در همان سال‌ها صدام حسین به ایران حمله کرد و بخش مهمی از این انرژی را به جای جبهه مبارزه با صهیونیسم معطوف جبهه ایران و عراق کرد. یکی از شعارهای مهم طراحان جنگی که صدام حسین مجری آن بود، جنگ عرب در برابر عجم بود. در این راستا بود که صدام هنگام آغاز جنگ، خود را سردار قادسیه نامید. دولت سوریه با این راهبرد مخالفت کرد و مانع از انزوای ایران در جهان عرب شد.<sup>۲</sup> در جریان جنگ تحمیلی، سوریه معتقد بود که این جنگ به هیچ‌وجه مسئله تقابل عربی-ایرانی نیست بلکه جنگ خصوصی عراق بود که وحدت نیروهای ضد صهیونیستی را تضعیف می‌کرد. بنابراین با اصرار، از جدا کردن راه خود از اعراب و عقد اتحاد با ایران دفاع می‌کرد.<sup>۳</sup> البته اتحاد سوریه با ایران راه کنشی و فقط علیه صدام حسین- رقیب حزبی (بعث) آن نماند. جمهوری اسلامی نیز تمامی تعهدات خود را در قبال همکاری راهبردی با سوریه در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی انجام داده است. ایران در زمانی که

۱. محمود شرفی، «بیداری اسلامی در منطقه خاورمیانه»، *مطالعات سیاسی*، س ۵، ش ۲، ۱۳۹۰، ص ۱۲۵.  
۲. ریموند هینبوش و انوشیروان احتشامی، *سیاست خارجی کشورهای خاورمیانه*، ترجمه علی گل محمدی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۷، ص ۱۰۵.  
۳. گراهام فولر، *قبله عالم ژئوپلیتیک/ ایران*، ترجمه عباس مخبر، تهران، مرکز، ۱۳۹۰، ص ۱۴۷.



روسیه که از متحدان قدیمی دولت سوریه و از کشورهای دارای پایگاه دریایی در آب‌های این کشور است، کشورهای غربی را به تحریک مخالفان دولت بشار اسد متهم و تصمیم «کشورهای عضو اتحادیه عرب» برای تعلیق عضویت سوریه را محکوم کرد

سوریه پس از ترور رفیق حریری متهم شده بود و رژیم صهیونیستی نیز پس از بمباران تأسیسات سوری به بهانه انجام فعالیت‌های هسته‌ای، در موضع تضعیف منطقه‌ای و بین‌المللی قرار گرفته بود، رسماً حمایت خود را از سوریه در مقابل هر نوع تهاجم خارجی اعلام کرد. حمایت‌های ایران از دولت سوریه در ماه‌های اخیر نیز به کرات اعلام شده است. عبور اولین ناوگان دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران از تنگه سوئز و پهلو گرفتن

آن در بندر لاذقیه سوریه پس از سقوط مبارک، پیامی واضح و روشن از هم‌پیمانی ایران اسلامی با سوریه در حمایت از مقاومت بود. به طور کلی روابط ایران و سوریه طی سه دهه اخیر در زمره روابط راهبردی قرار می‌گیرد. این سطح از روابط، در میان کشورها بسیار کم‌نظیر است. هم‌پیمانی سوریه با جمهوری اسلامی باعث تقویت مواضع آن در جبهه ضد صهیونیستی شده است.<sup>۱</sup>

با خروج کامل نیروهای امریکایی از عراق، بسیاری بر این باورند که ایران با استفاده از خلأ قدرت، خود را به قدرت چیره در این کشور تبدیل کرده و این حوزه نفوذ نه تنها عراق بلکه کل منطقه خلیج فارس را در بر خواهد گرفت؛ مخالفان قدرت یافتن ایران در منطقه نگران گسترش حوزه نفوذ این کشور از مرزهای غربی افغانستان تا دریای مدیترانه هستند. اگر ایران بتواند پس از خروج نیروهای امریکایی از عراق حوزه‌های مختلف هلال شیعی را به هم وصل کند، عراق نیز به محور مقاومتی خواهد پیوست که پیش‌تر سوریه، حزب‌الله لبنان و حماس نیز در آن حضور داشته و دارند. این امر می‌تواند نقشه سیاسی منطقه را دگرگون سازد؛ با توجه به اینکه تمام قدرت‌های درگیر با ایران در منطقه، موضع دست بالای ایران در عراق را پذیرفته‌اند، ناآرامی‌های سوریه این فرصت را فراهم آورد تا از این حلقه به نفوذ ایران ضربه وارد شده و سوریه به میدان جنگی برای منع ایران از تکمیل محور خود بدل شود. همچنین سه کشور اردن، عربستان سعودی و ترکیه به عنوان سه کشور اصلی، با نفوذ ایران در کنار مرزهای خود مواجه بوده و با آن درگیر هستند.

برای این سه کشور، دیگر عراق محلی برای جلوگیری از نفوذ ایران نیست بلکه باید

۱. محمود شرفی، همان، ص ۱۲۴.

این تلاش را در سوریه به انجام برسانند. بنابراین هر کاری می‌کنند که تغییر رژیم سوریه تحقق یابد.<sup>۱</sup>

## جریان معارضان سوریه

طرح سرنگونی نظام بشاراسد پیش از تحولات منطقه تدارک دیده شده بود. در سال ۲۰۰۵ میلادی که رفیق حریری ترور شد، امریکا، رژیم صهیونیستی، ارتجاع عرب و جریان ۱۴ مارس انگشت اتهام را ابتدا متوجه سوریه کردند و در آن زمان امریکا و عربستان سعودی با کمک نیروهای داخلی ۱۴ مارس متولی اجرای این طرح شدند، اما بنا به دلایلی از جمله تحولات لبنان و جنگ ۲۰۰۶ میلادی معروف به جنگ ۳۳ روزه، این سناریو متوقف شد تا اینکه این طرح با دستگیری بندربن سلطان در فرودگاه دمشق لورفت و بندربن سلطان که مأمور اجرای آن بود، طبق اخبار منتشره در اعترافات صوتی و تصویری خود اظهار می‌دارد که رفیق حریری را امریکا و رژیم صهیونیستی به همراهی عربستان به قتل رساندند.

با دستگیری بن سلطان و اعترافات وی، ورق برگشت و برای اینکه این اعترافات علنی و رسانه‌ای نشود، عربستان و امریکا عقب‌نشینی کردند و سوریه از فشار پرونده ترور خارج شده و ملک عبدالله وارد سوریه شده و پرونده ترور برای مدتی مختومه شد. این موضوع علت تأخیر سناریوی ۲۰۰۵ شد تا اینکه تحولات در منطقه آغاز شد و غربی‌ها فضا را مناسب دیدند تا به بهانه فراگیری تحولات، با سوریه تسویه حساب کرده و سرنگونی رژیم مبارک را با سرنگونی حکومت سوریه جبران کنند.<sup>۲</sup>

صحنه‌گردان معارضان سوریه، جوانانی هستند که به دنبال اصلاحات و زمینه‌سازی برای آینده بهتر برای سوریه می‌باشند و خط مشی آنها بر سه «نه» تأکید دارد، «نه با خشونت»، «نه با مداخله داخلی» و «نه به راه حل امنیتی». یکی از بازیگران تحولات سوریه، معارضان هستند که به دو جریان داخلی و خارجی تقسیم شده‌اند.

در جریان رخداد چند ماه اخیر سوریه برخی از جوانان فعال سیاسی و حقوق بشری در قالب گروه‌هایی به نام «تنسیقیات» [هماهنگی‌ها] سازمان یافتند و گروه‌ها و احزاب سنتی از آنها بهره‌گیری می‌کنند. صحنه‌گردان معارضه همین جوانان هستند که به دنبال اصلاحات و زمینه‌سازی برای آینده بهتر برای سوریه هستند.

1. <http://strategicreview.Org>

۲. سید هادی افقهی، سناریوی امریکا برای سرنگونی بشاراسد، تهران، مؤسسه مطالعاتی اندیشه‌سازان نور، ۱۳۹۰، ص ۴.



شورای مخالفان سوریه از همان آغاز تأسیس، سرنگونی حاکمیت بشاراسد در سوریه را هدف نهایی خود اعلام و در این راستا تأکید کرد که هرگز مذاکرات با دولت سوریه برای رسیدن به توافقی در این زمینه را نمی‌پذیرد

این گروه‌ها هم اکنون میان دو جریان بارز معارضه تقسیم و پخش شده‌اند:

۱. جریان گروه هماهنگی ملی نیروهای تغییر ملی دموکراتیک در سوریه (بزرگترین جریان معارض در داخل سوریه) و جریان شورای ملی سوریه (بزرگترین جریان معارض سوریه در خارج)، که گروه هماهنگی ملی در اواخر ژوئن ۲۰۱۱ در دمشق اعلام موجودیت کرد.

۲. جریان تجمع ملی؛ حسن عبدالعظیم رهبری این گروه را بر عهده دارد. ساختار تشکیلاتی آن در دومین نشست اعضای گروه در دمشق تکامل یافت و شورای رهبری وظیفه اجرایی آن در هرم رهبری یعنی گروه هستند. ۱۵ گروه قومی چپ و کرد و کمیته‌های هماهنگی‌های جوانان و برخی از شخصیت‌های مستقل معارض در این جریان حضور دارند؛ خط مشی آن بر سه «نه» (خیر) تأکید دارد. «نه با خشونت»، «نه با مداخله خارجی» و «نه به راه حل امنیتی».

رهبران این جریان بر این باور هستند که ۷۰ الی ۸۰ درصد کل معارضه در زیر چتر این ائتلاف بزرگ است. این جریان با فشار امریکا و اتحادیه اروپا و تسهیلات ترکیه و اعراب خلیج فارس، تشکیل یافت.<sup>۱</sup>

شورای ملی سوریه پس از نشست‌های استانبول یک، استانبول دو و آنتالیا در ترکیه، پاریس، بروکسل، وین و دو نشست در قطر و یک نشست در قاهره شکل یافت. ستون فقرات این شورا از سه جریان عمده تشکیل شده است:

۱. جریان اخوان المسلمین که حدود ۴ دهه با حزب بعث و نظام سیاسی سوریه درگیر است؛ در حوادث سال ۲۰۱۱ از امکانات قطر، سوریه و عربستان سعودی به خوبی بهره‌مند شد. در پرتو توافقات اخوان المسلمین - غرب عمل می‌کند و سعی دارد به لیبرال‌ها و لائیک‌های معارض امتیاز دهد تا پس از سرنگونی بشاراسد به مسند قدرت برسد.

۲. جریان اعلامیه دمشق که در سال ۲۰۰۵ سازمان یافت و در پی تحولات ۲۰۱۱ دوباره احیا شد؛ حدود ۵ گروه و حزب در جریان حضور دارند. خط مشی لیبرال و لائیکی دارد و اغلب رهبران این جریان تابعیت امریکایی و اروپایی دارند.

۱. خبرگزاری فارس.



۳. ائتلاف لیبرال‌ها و لائیک‌ها که این اواخر توسط فرانسه سازمان یافتند؛ غرب و متحدان منطقه‌ای آن مانند ترکیه، قطر و عربستان سعودی سعی دارند این جریان را حاکم کنند؛ زیرا با جریان «هماهنگی ملی» که با مداخله خارجی در سوریه مخالف است در اصول و سیاست در تضاد هستند.

شورای ملی سوریه در تحرک دیپلماتیک و خارجی خود تلاش دارد از غرب و کشورهای منطقه، مشروعیت پیدا کند و به عنوان بدیل بشار اسد خود را معرفی کند، گرچه آمریکا، فرانسه، اتحادیه اروپا و ترکیه از تأسیس این شورا استقبال کرده ولی هنوز مانند شورای انتقالی لیبی به رسمیت شناخته نشده است.

بسیاری از گروه‌های معارض مانند گروه مأمون الحمصی، گروه عبدالحلیم خدام و جریان سلفی‌ها و معارضه داخلی، هنوز شورای ملی سوریه را به عنوان نماینده معارضه به رسمیت نشناختند.<sup>۱</sup>

### شورای انتقالی سوریه

تشکیل شورای انتقالی معارضان سوریه در استانبول در واقع پاسخی به خواسته‌های آمریکا و کشورهای غربی و برخی از کشورهای هم‌پیمان استعمار آمریکا بود که تلاش دارند با هدف قرار دادن سوریه یکی از حلقه‌های مقاومت در منطقه را تضعیف کنند. شورای انتقالی شورشیان سوریه معروف به شورای ملی، سازمانی است که در تاریخ ۲ اکتبر ۲۰۱۱ بعد از نشستی دوازده روزه در شهر استانبول ترکیه رسماً اعلام موجودیت کرد. این شورا از گروهی از مخالفان خارج‌نشین دولت سوریه تشکیل شده است که برهان غلیون معارض سوری ساکن فرانسه ریاست آن را بر عهده دارد.

زایش این شورا از همان آغاز طبیعی و عادی نبود زیرا این مجموعه پس از چند نشست میان مخالفان دولت سوریه در شهرهای آنتالیا، استانبول و آنکارا در ترکیه، دوحه قطر، بروکسل بلژیک و سن ژرمن فرانسه و تحت فشار حامیان ضد سوری نظیر ترکیه، قطر، عربستان سعودی، آمریکا و کشورهای اتحادیه اروپا به ویژه فرانسه پایه‌گذاری شد. این شورا از دو شاخه دبیری کل و هیئت اجرایی تشکیل شده است که برهان غلیون ریاست این شورا را بر عهده دارد و بسمه قرضمانی سخنگوی رسانه‌ای و عضو هیئت اداری این شورا است و افرادی مانند محمد ریاض الشقفه سرکرده سلفی‌های اخوان المسلمین

۱. جیمز جویئر، «سوریه متحدان قدرتمندی در منطقه دارد»، ترجمه احمد رحمانی، اندیشکده شورای آتلانتیک، بررسی‌های استراتژیک، ۱۳۹۰، ص ۵.



سوریه و عبدالباسط سیدا از نویسندگان سوری و همچنین تعدادی از اقلیت‌های کرد و آشوری نیز عضو این شورا هستند.<sup>۱</sup>

شورای مخالفان سوریه از همان آغاز تأسیس، سرنگونی حاکمیت بشار اسد در سوریه را هدف نهایی خود اعلام و در این راستا تأکید کرد که هرگز مذاکرات با دولت سوریه برای رسیدن به توافقی در این زمینه را نمی‌پذیرد. این شورا حتی نصیحت‌های برخی هم‌دستان خود مانند قطر در زمینه مذاکرات با دولت مرکزی دمشق را رد کرد. غلیون در این زمینه مدعی شد که منظور امیر قطر از گفت‌وگو با نظام سوریه این است که آنها باید با ما گفت‌وگو کنند زیرا در هر حال، ما با دولت سوریه وارد گفت‌وگو نمی‌شویم. این شورا به حدی در زمینه مربوط به سوریه افراطی عمل می‌کند که حتی طرح اتحادیه عرب در زمینه حل بحران سوریه را نیز که از جانبداری علیه دولت این کشور برخوردار است، نمی‌پذیرفت و هر گونه مذاکره با دولت اسد را رد می‌کرد.<sup>۲</sup>

### چالش‌های مخالفان دولت سوریه

اپوزیسیون سوریه، انعکاسی از شکاف‌های اجتماعی و طایفه‌ای نهفته در دل جامعه سوریه است؛ شکاف‌هایی که با تحولات منطقه‌ای فعال شده‌اند؛ شکاف میان اسلام‌گرایان و سکولارها، شکاف میان اقلیت‌های مذهبی و اکثریت سنی و شکاف هویتی که به روشنی در اختلافات موجود میان کردهای سوریه و کسانی که بر هویت عربی این کشور تأکید دارند نمود یافته و همگی تشکیل یک جریان مخالف فراگیر را با چالش روبه‌رو کرده است. در کنار این، رقابت میان نسل جدید با نسل قدیمی رهبران مخالف که سال‌های طولانی در زندان بوده‌اند و اختلاف بین فعالان داخل و خارج، به بحران رهبری در اپوزیسیون دامن زده است. به این ترتیب، مخالفان هنوز نتوانسته‌اند جایگاه خود را به عنوان نماینده تکثر درون جامعه سوریه و طیف وسیع مطالبات آنها تثبیت کنند.

در کنار مسئله عدم انسجام، دو چالش دیگر، کار را برای مخالفان پیچیده ساخته است. بخش بزرگی از جامعه هنوز از پیوستن به اعتراض‌های خیابانی خودداری می‌کنند که دو دلیل مهم آن به نگرانی عمومی از ماهیت رژیم آینده سوریه و ناتوانی اپوزیسیون برای پیشنهاد ساز و کار مشخص در تغییر مسالمت‌آمیز بازمی‌گردد. این مسئله بر

1. <http://mellatonline.Net>

2. <http://www.idlamtimes.Org/fa>

توانایی مخالفان به منظور جلب طیف بزرگتری از نیروهای اجتماعی و بسیج آنها علیه حکومت تأثیر منفی داشته است.

راهپیمایی‌های ضد حکومتی هنوز از مراکز اولی آن در شهرهای درعا، حما و حمص به بزرگترین شهرهای سوریه یعنی دمشق و حلب نرسیده و هنوز بشاراسد پایگاه اجتماعی خود را در میان اقلیت‌های مذهبی، بورژوازی و تجار عمدتاً سنی و بخش‌هایی از طبقه متوسط که از سیاست‌های درهای باز رژیم در یک دهه گذشته بهره‌مند شده‌اند، حفظ کرده است. حتی تحرک

ضد حکومتی در مناطق کردنشین که ۱۰ درصد جمعیت سوریه را تشکیل می‌دهند، محدود باقی مانده است.

دومین چالش در برابر مخالفان به نزاع طایفه‌ای و مذهبی در حال گسترش در سوریه بازمی‌گردد که به مشروعیت مخالفان خدشه وارد کرده است. درگیری‌های طایفه‌ای چنان در حال سایه انداختن بر اعتراض‌های مسالمت‌آمیز در نقاط مختلف سوریه بوده که لوثی حسین، از مخالفان رژیم سوریه، درباره افتادن کشور به دامن جنگ داخلی هشدار داده و گفت: «پیش‌تر مردم با انگیزه تغییر سیاسی در اعتراض‌ها شرکت می‌کردند، اما اکنون حس انتقام‌گیری در حال جایگزین شدن آن است.»<sup>۱</sup>

## نتیجه‌گیری

تحولات صورت گرفته در کشورهای عربی منطقه خاورمیانه طی یک سال گذشته، معادلات و ساختار ژئوپلتیک منطقه را به شدت تحت تأثیر قرار داده است. سوریه به علت پایداری در آزادسازی سرزمین‌های اشغالی و همکاری اصولی با جمهوری اسلامی ایران، حلقه راهبردی مقاومت محسوب می‌شود؛ طی سال‌های گذشته تلاش‌های مختلفی از سوی غرب و حامیان سازش کار آن‌ها برای احیای روند سازش و حذف حلقه ذکر شده و جدایی سوریه از جبهه مقاومت انجام شد، اما ناکام ماند. آغاز روند تحولات در کشورهای شمال آفریقا و خاورمیانه عربی، فرصت مناسبی برای مخالفان و رقبای سوریه به وجود

۱. محمد عطایی، «بیم‌ها و امیدها در سوریه»، مؤسسه مطالعات بین‌المللی صلح، ۱۳۹۰، ص ۲.





آورد تا تحت لوای جنبش اعتراضی، موجبات تضعیف، تغییر رفتار و در نهایت سقوط بشاراسد را فراهم آورد. به این منظور از چندین جبهه، مداخله در امور داخلی سوریه و فشار بر این کشور آغاز شده است. علاوه بر امریکا و رژیم صهیونیستی، کشورهای چون ترکیه و عربستان و نیز گروه سعد حریری در لبنان به شیوه‌های گوناگون، دولت سوریه را تحت فشار قرار داده‌اند.

در مجموع مباحث و مطالب مطرح شده، به خوبی روشن می‌شود که دغدغه غرب و اتحادیه عرب، اعتراض به سیاست‌های بشاراسد و دفاع از حقوق مردم سوریه نیست، بلکه مهم اهداف و منافع است که از سقوط نظام سیاسی سوریه عاید آنها می‌شود. همچنین اشاره مجدد به این نکته خالی از لطف نیست که موقعیت سوریه در خاورمیانه از جایگاه مهمی برخوردار و همسایگی با اسرائیل، لبنان و عراق به این کشور موقعیت خاصی بخشیده است که موجب شده محل تلاقی و تمرکز قدرت‌های هدف باشد و لازم است به تحولات اخیر در سوریه از منظر جایگاه و نقش استراتژیک آن پرداخته شود.